

راهکارها و موانع دریافت غرامت از دولت عراق برای جنگ هشت ساله

امیرحسین موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

amirhosseinmousaviidcard@gmail.com

حلیه فراست

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

h.farasat128@gmail.com

چکیده

1

جنگ ایران و عراق که در ادبیات ایران از آن به عنوان دفاع مقدس و جنگ تحمیلی یاد می‌شود، جنگی است که از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به درازا کشید و در نهایت پس از کش و قوس‌های فراوان با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی طرفین درگیری میان دو کشور متوقف شد. ۸ سال درگیری میان دو کشور سبب شده است که از این درگیری به عنوان طولانی‌ترین جنگ کلاسیک عصر مدرن یاد شود. نبرد میان این دو کشور منجر به ورود خسارات عظیم و گسترده جانی و مالی به هر دو طرف گردید. در این بین نیز تاسیسات اقتصادی و عمومی ایران نیز با آسیب بسیار گسترده رو به رو شد، در کنار شمار بالای شهدا و اسرا که از جمله دیگر اتفاقات تلخ این درگیری بود. در این پژوهش در ابتدا سیر کلی علل و عوامل وقوع درگیری میان دو کشور بررسی خواهد شد، سپس مسئولیت دولت عراق با توجه به اسناد و اصول بین‌المللی موجود اثبات خواهد شد و در ادامه این مقاله به انواع خسارات وارده و راه‌های جبران خسارت و دریافت مطالبات می‌پردازد. نهایتاً نیز مشخص می‌شود که دولت عراق در ۸ سال جنگ تحمیلی مرتکب اعمالی شده است که به لحاظ حقوق بین‌المللی ممنوع بوده و حاوی عناصر مسئولیت این کشور می‌باشد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: دولت عراق، دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت بین‌المللی، جبران خسارت، مطالبه خسارت

مقدمه

مسئله غرامت جنگ ایران و عراق یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بین‌المللی حل نشده ایران می‌باشد. جنگ ایران و عراق که یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های صد سال اخیر نیز هست، سبب ورود خسارات عظیم به زیرساخت‌های اقتصادی و ملی کشور شده است. این جنگ در بعد فردی نیز سبب ورود خسارات جانی و مالی بسیاری به افراد نظامی و غیر نظامی گردید؛ آن گونه که تعداد شهدای جنگ تحمیلی قریب به ۱۹۶ هزار نفر (مقدم، ۱۳۹۹) و تعداد اسرای این جنگ حدود ۴۰ هزار نفر می‌باشد (بی‌نام، ۱۳۹۹) و همچنین تعداد بسیاری نیز جانباز شدند. این، مسئله‌ای است که در کنار مسئولیت دولت عراق، مسئولیت کیفری اعضای حزب بعث را نیز در پی دارد. همچنین، جنگ میان دو کشور که در ماه‌های اولیه انقلاب اسلامی رخ داده و در فضای دوران جنگ سرد تحت

هجدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران ۳۱ تیر ۱۴۰۳



الشعاع جبهه‌بندی‌های جهانی قرار گرفته‌بود، آن‌گونه که باید مورد توجه سازمان ملل واقع نشد، قطع‌نامه‌های صادره نیز عموماً خواسته‌های کشورمان به عنوان طرف مدافع را تامین نمی‌کرد و تا آن جایی پیش رفته بود که حتی مطابق با منافع ملی ایران و خواست دستگاه دیپلماسی کشور نبود.

جنگ ۸ ساله که به سبب زیاده خواهی‌های فردی صدام حسین و حزب بعث عراق شکل گرفت، چیزی جز ویرانی زیرساخت‌های دو کشور باقی نگذاشت و رویای خوزستانی عراقی که از اصلی‌ترین دلایل تهاجم عراق به خاک وطن‌مان بود، ناکام ماند. یکی از بزرگ‌ترین معماهای جنگ تحمیلی مسئله غرامت هشت سال جنگ تحمیلی است که به دلایل مختلف تاکنون بدون پیگیری جدی باقی مانده است. در بعد داخلی، دستگاه حقوقی و دیپلماسی کشور آن‌گونه که باید نتوانست نقش موثری ایفا کند، خصوصاً در هنگام تشکیل دولت جدید در عراق که زاویه کاملاً متفاوتی با حزب بعث و دوران حکومت صدام حسین داشت. در این بین رفتار جامعه بین‌المللی نیز در نوع خود عجیب می‌نماید؛ چرا که تا مدت‌ها، از تعیین و ابراز طرف متجاوز خودداری می‌شد و از طرفی با وجود محکومیت قطعی عراق در تهاجم به کویت و اقدام قاطع جامعه بین‌المللی، چنین حمایتی از ایران در طول جنگ تحمیلی دیده نشد و حقوق بین‌الملل قربانی سیاست بین‌المللی شد، به نحوی که نه تنها از ایران حمایتی صورت نگرفت، بلکه دولت‌های شرقی و غربی از حزب بعث و ارتش عراق به شدت حمایت تسلیحاتی کردند. در واقع، در سکوت جامعه بین‌المللی و انفعال سازمان ملل متحد و شورای امنیت این خود ایران بود که باید به تنهایی از تمامیت ارضی و حقوق خود دفاع می‌کرد.

نتیجه آن‌که جنگ تحمیلی که باید در پرتو حقوق بین‌الملل و قواعد آن بررسی و تعیین غرامت می‌شد، مورد حمایت جامعه بین‌المللی قرار نگرفت و با کوتاهی داخلی نیز این مسئله به حاشیه رانده شد.

در تحقیق پیش رو به بررسی ابعاد این مسئله در پرتو توجه به مسئولیت دولت عراق و راهکارهای دریافت غرامت توسط دولت ایران پرداخته می‌شود. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. از نوآوری‌های این مقاله می‌توان به بررسی ریشه‌های این جنگ و راهکارهای حقوقی نوین برای مطالبه خسارات اشاره کرد.

۱- تاریخچه روابط ایران و عراق

ضروری است در ابتدای امر به بررسی روابط و اختلافات میان دو کشور در قرن اخیر پرداخته شود؛ چرا که اگر کلیدی‌ترین مسئله نباشد، یکی از مهم‌ترین مسائل در مسئولیت دولت عراق بررسی این موضوع است. به عبارت دیگر، برخلاف تصور عموم که برای اثبات و میزان مسئولیت این دولت به بررسی اتفاقات حین جنگ می‌پردازند، بررسی آنچه که این کشور پیش از جنگ تحمیلی با ایران منعقد کرده و با جنگ آن‌ها را نقض کرده‌است، از اولویت و اهمیت بسیاری برخوردار است.

نقطه آغاز روابط مابین دو کشور به فروردین ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت جهت برقراری روابط سیاسی با ایران باز می‌گردد. با این حال دولت عراق که در این زمان تحت حمایت انگلستان قرار داشت، نخست از اواسط سال ۱۳۱۰ با ارسال چندین یادداشت اعتراض به دولت ایران، مأموران گمرک و نیروی دریایی ایران را متهم به نادیده گرفتن مقررات سازمان بندر بصره و تجاوز به حق حاکمیت عراق در آب‌های اروندرود نموده و سپس در سال ۱۳۱۳ به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر اروندرود در جامعه‌ی ملل شکایت کرد. پس از آنکه جامعه ملل طرفین را به مذاکره مستقیم دعوت نمود، سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ طی قراردادی که میان دو کشور منعقد گردید، حق کشتی‌رانی در سراسر اروندرود به استثنای پنج کیلومتری از آب‌های آبادان تا خط تالوگ به دولت عراق واگذار گردید (مهدوی، ۱۳۸۰).

هجدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران ۳۱ تیر ۱۴۰۳



3

بدین ترتیب قرارداد مذکور که در چارچوب اهداف استراتژیک بریتانیا بر ایران تحمیل شده بود، مالکیت عراق بر تمام اروندرود را به غیر از پنج کیلومتری از آب‌های آبادان گسترش می‌داد. با این حال ۴ روز بعد در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ پیمانی میان کشورهای ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در کاخ سعدآباد تهران به امضا رسید که وحدت کشورهای فوق را در منطقه تضمین نمود و امضاکنندگان را به حمایت متقابل از یکدیگر در صورت بروز خطر نسبت به یکی از اعضا برمی‌انگیخت. «پیمان سعدآباد» که تحت نفوذ و سلطه انگلیس در منطقه منعقد شده بود، دولت‌های امضاکننده را به پرهیز از مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به مرزهای مشترک، خودداری از هرگونه تجاوز نسبت به یکدیگر و جلوگیری از تشکیل جمعیت‌ها و دسته‌بندی‌هایی با هدف اختلال در کشورهای همجوار و هم‌پیمان تشویق می‌کرد (مهدوی، ۱۳۸۳).

پیمان بعدی و مهمی که هر دو کشور بدان پیوستند، پیمان امنیتی-دفاعی موسوم به «پیمان بغداد» بود که پیمان همکاری متقابل نیز نامیده می‌شد. هرچند به سبب کودتا در عراق و خروج این دولت از این پیمان، دو کشور ایران و عراق نتوانستند چندان به همکاری بپردازند.

حکومت جدید عراق به رهبری عبدالکریم قاسم، دور جدیدی از مناقشات میان دو کشور را دامن زد. بار دیگر با وجود مسائلی چون تشکیل جبهه آزادی‌بخش خوزستان و مسئله کردها، مهم‌ترین اختلاف میان دو کشور مربوط به اروندرود می‌شد. در نهایت، عبدالکریم قاسم در کنفرانسی مطبوعاتی ادعا کرد که «عراق در سال ۱۳۱۶ تحت فشار جدی قرار داشته و ناچار شده است که حاشیه‌ای به عرض پنج کیلومتر از اروندرود را به ایران واگذار نماید و این عمل عراق یک نوع بخشش بوده است، نه استرداد یک حق مکتسبه» (مهدوی، ۱۳۸۰). این اختلافات از مجاری دیپلماتیک پیگیری شد تا از پیکار نظامی جلوگیری شود اما دو کشور موفق به اتخاذ تصمیمی مشترک نشدند.

پس از سقوط دولت عبدالکریم قاسم، در دوره کوتاه چند ساله، آرامش در روابط میان دو کشور پیدا شد اما با به قدرت رسیدن حزب بعث در ۲۶ تیر ۱۳۴۷ روابط تیره‌تر از قبل شد.

روابط دو کشور در شرایطی وارد بحران جدیدی شد که حسن‌البرک، رئیس رژیم کودتائی عراق، ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شدند، بازرسی نمایند. به دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق، آبراه شط‌العرب را جزء لاینفک خاک عراق نامید و از ایران خواست پرچم‌های خود را از روی کشتی‌ها پایین بکشد. به دنبال این اظهارات و اعمال مقامات عراقی، دولت ایران نیز در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه‌ی مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام نمود (مهدوی، ۱۳۸۰).

در جریان تشکیل کنفرانس اوپک در الجزیره، موقعیت مناسبی فراهم شد تا بار دیگر دو کشور با انعقاد قرارداد جدیدی به تیرگی روابط پایان دهند. در جریان کنفرانس سران اوپک، با تلاش‌هایی که هواری بومدین، رئیس جمهور الجزایر، به عمل آورد؛ مذاکراتی بین شاه و صدام حسین انجام شد که نتیجه آن، انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود. مطابق با قرارداد الجزایر:

«۱. علامت گذاری قطعی مرزهای زمینی بر اساس پروتکل استانبول مورخ سال ۱۹۱۳ و صورت جلسات تعیین حدود مرزی سال ۱۹۱۴ تعیین گردید. ۲. تعیین مرزهای رودخانه‌ای بر اساس خط تالوگ قرار داده شد. ۳. دو کشور متعهد شدند امنیت و اعتماد را مجدداً در طول مرزهای مشترک برقرار کنند و با نظارت دقیق و مؤثر از مرزهای مشترک خود با هر نوع رخنه و اخلاگری در مرزهای یکدیگر مقابله کنند.»

دولت ایران با امضای قرارداد الجزایر توانست به دعاوی چند ساله خود در مورد تقسیم اروندرود به صورت برابر عمل بیوشاند. دولت عراق نیز به رغم عقب‌نشینی از خواسته‌های قبلی خود، به دلیل آن‌که حمایت‌های دولت ایران از مخالفان کرد قطع شد، از

تهدید بزرگی نجات یافت و پس از مدتی توانست شورش آنها را سرکوب کند. صدام حسین با سیاست‌هایی که اتخاذ کرد و با تجدیدنظر در سیاست خارجی عراق، در نزدیکی به اتحاد جماهیر شوروی، به تدریج روابط خود را با بلوک غرب بهبود بخشید و به احیای نظامی و اقتصادی عراق پرداخت (موسوی، ۱۳۸۸).

بعد از وقوع انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق به سبب نارضایتی از این قرارداد، تفاوت ایدئولوژیکی با دولت ایران و قصد تصرف خوزستان که بخشی از رویای پان‌عربیسم مدنظر صدام شناخته می‌شد، اقداماتی چند را علیه کشور ایران و قرارداد الجزایر انجام داد. سرانجام، وزارت امور خارجه عراق در ۱۳۵۹/۰۶/۲۶، طی یادداشتی، قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ را لغو کرده و صدام حسین ضمن ادعای حاکمیت مطلق عراق بر شط‌العرب، آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد. سپس، رژیم بعث در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حملات هوایی و زمینی به خاک ایران جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه کشورمان را آغاز کرد.

۲- مبنای مسئولیت دولت عراق

۲-۱- مسئولیت دولت عراق بر طبق معاهدات بین‌المللی

آنچه که در طی هشت سال جنگ تحمیلی توسط دولت عراق انجام شد، تقریباً نقض تمام قواعد بین‌المللی را شامل می‌شود. در ادامه، با تاکید بر معاهدات بین‌المللی موارد نقض بیان می‌شود.

اولین و روشن‌ترین معاهده‌ای که توسط دولت عراق نقض شده‌است، عهدنامه الجزایر (۱۹۷۵) می‌باشد. این عهدنامه که یک عهدنامه دوجانبه بود، آیین خاصی را نیز برای حل اختلاف و تاکید بر حفظ امنیت مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو کشور داشت که به صورت کامل توسط دولت عراق نقض شد (عهدنامه الجزایر، ۱۹۷۵).

اولین سند بین‌المللی که توسط دولت عراق نقض شده‌است، منشور ملل متحد می‌باشد. این منشور به صراحت توسل به زور را در روابط بین‌المللی مردود اعلام کرده است. دولت عراق با تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران چندین اصل مهم را که در منشور ذکر شده و امروزه جزء قواعد عرفی مسلم بین‌المللی هستند، زیر پا گذاشته‌است؛ از جمله این اصول می‌توان به بند ۳ و ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد اشاره کرد: «کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل خواهند کرد - کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود». با گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل و تعیین دولت عراق به عنوان متجاوز به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ می‌توان به قطعیت اعلام کرد که دولت عراق اصول عرفی مسلم حقوق بین‌المللی و منشور ملل متحد را نقض کرده‌است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه» اعلام می‌کند: «اصل ممنوعیت کاربرد زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد نه فقط یک اصل حقوق عرفی است، بلکه یک اصل بنیادین و اساسی این حقوق است (ICJ, Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua Case, 1986)». همچنین دیوان ذکر می‌کند که: «کمیسیون حقوق بین‌الملل و حتی طرفین اختلاف حاضر، به این اصل به عنوان نمونه برجسته و آشکار یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل باور دارند (ICJ, Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua Case, 1986)». با نگاهی به دیگر آرای دیوان، اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌هایی همچون «اعلامیه اصول حاکم بر روابط دوستانه فیما بین دولت‌ها» نیز به خوبی می‌توان متوجه شد که رژیم بعث و دولت عراق مرتکب نقض صریح منشور و قواعد آمره بین‌المللی در زمینه عدم توسل به زور شده‌اند.

هجدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران ۳۱ تیر ۱۴۰۳



5

اسناد بین‌المللی دیگری که توسط دولت عراق نقض شده‌اند و زمینه‌ساز مسئولیت این کشور هستند، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو می‌باشند. دولت عراق در نقض چهار کنوانسیون ژنو کلکسیون از نقض‌ها را مرتکب شده است که شامل هر چهار کنوانسیون و اکثر مواد آن‌ها می‌شود. در رابطه با انتساب عمل نیروهای مسلح این کشور به دولت عراق نیز مشکلی به نظر نمی‌رسد؛ چرا که اسناد موجود رژیم بعث نشان‌دهنده عاملیت حکومتی بودن ارگان‌های نظامی عراق هستند و در عالم حقوق بین‌الملل نیز اسنادی چون پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) حکایت از مسئولیت دولت عراق دارند. ماده ۴ این پیش‌نویس اعلام می‌دارد: «رفتار ارگان‌های یک کشور ۱- رفتار هر ارگان کشوری، باید به موجب حقوق بین‌الملل، به عنوان عمل آن کشور دانسته شود؛ خواه آن ارگان، [وظایف] تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر وظیفه دیگر را صرف‌نظر از موقعیتی که در سازمان کشور دارد و صرف نظر از ویژگی آن به عنوان ارگانی از دولت مرکزی یا واحد سرزمینی کشور اعمال کند. ۲- یک ارگان، متضمن هر فرد یا واحدی است که موقعیت مزبور را مطابق با حقوق داخلی کشور داراست.» با وجود طرح و پیش‌نویس بودن این مواد و عدم تصویب جهانی آن می‌توان ادعا کرد که برپایه رویه قضایی بین‌المللی همچون قضیه Moore که یکی از آرای کمیسیون دعوای مختلط ایالات متحده - مکزیک بوده است و در آن سرداور پرونده اعلام می‌دارد: «یک مامور یا شخص با اختیارات دولتی علی‌القاعده نماینده دولت خود محسوب می‌شود. دولت در مفهوم بین‌المللی از مجموع تمامی ماموران و مقامات دولتی تشکیل می‌شود (Moore, 1871)». این قاعده یک عرف بین‌المللی در عالم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. دولت عراق نه تنها در میدان نبرد مرتکب نقض کنوانسیون‌های ژنو شد، بلکه ۴۰ هزار اسیر جنگی ایرانی را نیز با شدیدترین نقض حقوق انسانی مواجه ساخت؛ به عنوان مثال:

علاوه بر بی‌توجهی به وضعیت اسرای مجروح و عدم مداوای آنان، این شکنجه شدید مجروحان و اجبار آنان به پیاده روی‌های طولانی و بازجویی‌های سخت و طاقت فرسا که نقض ماده ۱۵ کنوانسیون اول، ماده ۱۸ کنوانسیون دوم، مواد ۱۲، ۱۳، ۱۹ و ۳۰ کنوانسیون سوم می‌باشد (R-2853, 1985).

عدم رسیدگی کافی پزشکی و عدم درمان مجروحان و بیماران که بعضاً هم منجر به مرگ اسرا شد که نقض مواد ۱۲، ۳۰ و ۳۱ کنوانسیون سوم ژنو است (R-2251, 1984).

نقض شرایط استفاده از نیروی کار اسرا و بیگاری کشیدن از آنان که نقض مواد ۴۹، ۵۰، ۵۷ و ۶۲ کنوانسیون سوم می‌باشد (R-1093, 1981).

همان‌طور که پاره‌ای از ابعاد جنایت دولت عراق روشن شد. شایان توجه است که این موارد تنها گوشه‌ای از مسئولیت واضح و روشن دولت عراق در نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بوده است که علاوه بر شهادت رزمندگان ایرانی و مردم غیر نظامی، اسناد صلیب سرخ و سازمان ملل نیز تایید کننده این مدعا می‌باشد.

در نهایت، در این بخش ذکر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ خالی از لطف نیست که اشعار می‌دارد: «دولت‌های عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند تحت هر شرایطی مفاد مندرج در کنوانسیون حاضر را رعایت کنند و التزام به آن را نیز تضمین نمایند.»

از دیگر اسناد بین‌المللی مورد نقض دولت عراق، نقض پروتکل منع به کارگیری سلاح‌های شیمیایی ۱۹۲۵ می‌باشد که به تصویب ۱۲۰ کشور از جمله عراق رسیده بود و دولت این کشور با استفاده از سلاح شیمیایی و ایجاد فجایعی در شهرهای مرزی ایران مرتکب نقض این سند بین‌المللی نیز شد.

۲-۲- مسئولیت دولت عراق بر پایه اصول حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه بر سه اصل اساسی متکی می‌باشد که رعایت آن‌ها بر طبق قواعد آمره بین‌المللی الزامی است:

۱- اصل تفکیک: اصل تفکیک از آن‌هایی که جنگ را برپا داشته‌اند، می‌خواهد تا میان افرادی که در مخاصمات شرکت می‌کنند و آن‌هایی که در مخاصمات شرکت ندارند (یا دیگر مشارکت نمی‌کنند) تمایز قائل شوند.

۲- اصل تناسب: اصل تناسب بیان می‌کند که حتی در صورت وجود یک هدف واضح نظامی، این هدف تنها در صورتی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که خطر آسیب دیدن غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی، یا خطر کشته شدن غیرنظامیان، به نسبت برتری نظامی مورد انتظار بیش از اندازه نباشد.

۳- اصل احتیاط: فرض اساسی در اصل احتیاط آن است که باید برای حمایت از جمعیت غیرنظامی و اشیاء غیرنظامی، مراقبت همیشگی توسط تمامی آن‌هایی که در برنامه‌ریزی و اجرای حملات شرکت دارند، انجام گردد. به عبارت دیگر، این اصل بیان می‌کند که احتیاط‌های لازم برای انطباق با اصول تفکیک و تناسب باید انجام شود.

چنانچه واضح و مشخص است دولت عراق ضمن در نظر نگرفتن هر سه این اصول مرتکب نقض قواعد حقوق بشردوستانه شده است. ذکر این نکته نیز مهم می‌باشد که طبق آرای قضایی متعددی همچون «قضیه کارخانه کورزوف» (۱۹۲۷)، الزام به جبران خسارت خصوصاً به شکل غرامت از قواعد مسلم و شناخته شده حقوق بین‌الملل است (PCIJ, Factory at Chorzow, 1928) که در پرتو اثبات مسئولیت دولت عراق تکلیف به جبران خسارت نیز ثابت می‌شود.

حال و پس از روشن نمودن تاریخچه روابط دو کشور و مسئولیت بین‌المللی دولت عراق به سبب نقض نص صریح منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی، مسئله اصلی این پژوهش یعنی مسئله غرامت و راهکارهای موجود بیان می‌شود.

۳- جبران خسارت

۳-۱- مفهوم جبران خسارت

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کارخانه کورزوف در خصوص مفهوم جبران خسارت اعلام کرد:

«قاعده بنیانی که در مفهوم واقعی یک اقدام غیرقانونی نهفته این است که جبران خسارت تا حد امکان آثار عمل غیرقانونی را محو نماید و وضعیت را به حالتی که در صورت عدم ارتکاب آن عمل وجود داشت بازگرداند. اعاده عین و یا اگر این امر امکان پذیر نباشد، پرداخت ارزش مالی که بتوان با آن نظیر خود مال را تهیه نمود و عنداللزوم به پرداخت غرامت زیان‌های وارده که با پرداخت قیمت عین، مستهلک نمی‌شوند، باید انجام شود. این موارد قواعدی هستند که باید برای تعیین غرامت در مورد یک عمل خلاف حقوق بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرند (PCIJ, Factory at Chorzow, 1928).»

با وجود این که حدود هشتاد سال از صدور حکم کارخانه کورزوف می‌گذرد، این حکم اغلب به عنوان معتبرترین بیان اصول قابل اعمال در این زمینه شناخته شده و در قضایای مختلف مورد استناد و تأکید دیوان‌های داوری و نویسندگان معتبر حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. یکی از این نویسندگان، ماریان گرین، با الهام از این رأی دیوان دائمی بیان می‌کند: «جبران خسارت عبارت است از اقداماتی که باید انجام گیرد تا آثار ناشی از عمل غیرقانونی را بزدايد و اوضاع و احوال را به حالتی برگرداند که با حساب همه احتمالات اگر عمل متخلفانه اتفاق نیفتاده بود، آن وضعیت وجود داشت (Green, 1988).»

۲-۳- انواع جبران خسارت

جبران خسارت شامل دو نوع جبران خسارت مادی و جبران خسارت معنوی می‌باشد که در ادامه هر یک به صورت اختصار بیان می‌شود. لازم به ذکر است که در این مقاله با توجه به رویکرد آن، به خساراتی اشاره می‌شود که دولت ایران امکان مطالبه آن را از دولت عراق در خصوص مسئولیت این کشور نسبت به جنگ هشت ساله دارد.

۱-۲-۳ جبران خسارت مادی

خسارات مادی شامل تخریب اموال و اشیاء، قتل اشخاص و ... است. ارزیابی و جبران خسارت مادی معمولاً از طریق سنجش میزان خسارات وارده و ترمیم کامل آسیب انجام می‌شود. در برخی موارد، ترمیم کامل آسیب می‌تواند شرایط نامتناسب و دشواری را برای دولت مسئول ایجاد کند. بنابراین، روش‌های مختلفی برای جبران خسارت مادی وجود دارد؛ از جمله اعاده وضع به حالت سابق و پرداخت غرامت (حلمی، ۱۳۸۷). در ادامه، به سه مورد از موارد جبران خسارت مادی پرداخته خواهد شد.

الف) اعاده وضع به حالت سابق:

از اصلی‌ترین نوع جبران خسارت مادی می‌توان به اعاده وضع به حالت سابق اشاره کرد که به معنای بازگرداندن وضعیت و شرایطی است که در صورت عدم وقوع عمل غیرقانونی وجود داشته است؛ مانند استرداد مال یا سرزمین تصرف شده. مطابق ماده ۳۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اعاده وضعیت به حالت اولیه اولین نوع جبران خسارت است که دولت مسئول با رعایت دو شرط امکان اعاده وضعیت و عدم تحمیل نامتناسب با نفعی که از آن ناشی می‌شود، ملزم به انجام آن است (حلمی، ۱۳۸۷).

ب) پرداخت غرامت:

رایج‌ترین نوع جبران خسارت در روابط بین‌المللی پرداخت غرامت به معنای تقویم خسارت وارده به پول است. دیوان دائمی داوری در قضیه غرامات جنگی عثمانی به روسیه (۱۹۱۲) چنین بیان می‌دارد: «براساس ماده ۳۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دولت متخلف مسؤول جبران خسارت وارده، تا حدودی که خسارت مزبور از طریق اعاده وضع به حالت سابق ترمیم نگردیده، می‌باشد. پرداخت غرامت باید شامل هرگونه خسارتی باشد که از لحاظ مالی قابل تقویم است از جمله عدم‌النفع. در زمان صدور رأی پرداخت غرامت، هزینه تقویم مال از دست رفته حتی اگر بالاتر از ارزش آن به هنگام وقوع عمل متخلفانه باشد، باید مورد بررسی قرار گیرد» (Russian Indemnity Case, 1912).

پرداخت غرامت در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان بخشی از اعاده وضع به حالت قبل از وقوع تخلف تلقی شده است؛ به ویژه آنکه در شرایطی که اعاده عین مال غیرممکن باشد، پرداخت غرامت نزدیک‌ترین و متداول‌ترین نوع جبران خسارت است (Schwarzenberger, 1968).

ج) توقف عمل متخلفانه:

قطع و توقف عمل متخلفانه‌ای که ماهیت استمرار دارد، سومین نوع جبران خسارت مادی است. کاربرد این روش بیشتر در خصوص نقض گسترده حقوق بشر، نقض حاکمیت و اشغال سرزمین یک کشور، نقض مصونیت سفارت و دستگیری و بازداشت مأمورین سیاسی و کنسولی است (رجب‌پور، ۱۳۸۸).

شایان توجه است که این مورد با تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ محقق شد و دولت عراق با خارج نمودن نیروهای نظامی خود از خاک و مرز کشور ایران، به عمل متخلفانه خویش پایان داد.

۲-۲-۳- جبران خسارت معنوی

در برخی موارد جبران خسارت به صورت مادی انجام نمی‌پذیرد، بلکه به صورت معنوی و اعلامی از سوی دولت متخلف خسارت جبران می‌شود. لازم به ذکر است که در بیشتر موارد خسارت به صورت ترکیبی و اعم از مادی و معنوی جبران می‌گردد. در ادامه، به دو مورد از موارد جبران خسارت معنوی بیان خواهد شد.

الف) اعلام رسمی:

در برخی موارد، خسارت را می‌توان به صرف اعلام غیرقانونی بودن عمل دولت متخلف توسط یک مرجع قضایی بین‌المللی، جبران کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «کانال کورفو» بیان داشت:

«عمل نیروی دریایی سلطنتی انگلیس در جمع‌آوری مین در تاریخ ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۱۹۴۶ برخلاف تمایل دولت آلبانی بوده و به‌منزله نقض حاکمیت آن کشور است. این اعلام براساس درخواست آلبانی که از طریق کنسول آن کشور تسلیم شده، صورت می‌گیرد و رضایت آن را جلب می‌کند (ICJ, Corfu Channel Case, 1949).»

ب) رضایت:

در مواردی که خسارت وارده به یک دولت، معنوی بوده و قابل تقویم به قیمت نباشد، روش‌های گوناگونی برای جلب رضایت کشور زیان دیده مانند عذرخواهی و یا احترام به پرچم پیش بینی شده است. روش‌های جلب رضایت به درجه اهمیت مسئولیت و شدت خسارت معنوی بستگی دارد؛ نظیر آنکه در برخی از شرایط دولت متخلف با اعزام هیأت رسمی تأسف و عذرخواهی رسمی خود را اعلام می‌کند و اما گاهی درجه شدت مسئولیت اقتضا می‌کند که دولت مأمور خود را تغییر دهد و یا حتی از خدمت منفصل و تحت تعقیب قرار دهد. جلب رضایت اهداف گوناگونی از جمله عذرخواهی، جبران خسارت احتمالی، تنبیه افراد متخلف و نیز اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکرار اعمال غیرقانونی دارد (رجب‌پور، ۱۳۸۸).

ماده ۳۷ طرح مسوولیت دولت‌ها ضمن اشاره به تعهد کشور متخلف به جلب رضایت دولت زیان‌دیده در مواردی که امکان اعاده وضعیت یا جبران خسارت نباشد؛ به مسئله مهمی می‌پردازد: «رضایت نباید خارج از میزان زیان و برای کشور متخلف به صورت تحقیرآمیز باشد.»

۴- روش‌های مطالبه خسارت

۴-۱- اقدامات سیاسی و دیپلماتیک

اصولاً در وهله اول دولت‌ها برای حل اختلافات خود به روش‌های سیاسی و دیپلماتیک رجوع می‌کنند. در ادامه، سه روش از روش‌هایی که دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آنها برای مطالبه خسارت ناشی از اشغال، تجاوز و آسیب به جان اشخاص استفاده کند، بیان می‌شود.

الف) اقدامات دوجانبه دیپلماتیک

اگرچه اقدامات دوجانبه دیپلماتیک الزام‌آور نیستند، اغلب دولت‌ها برای حل اختلاف خود از این روش بهره می‌جویند. این تصور که روش‌های سیاسی صرفاً برای حل اختلافات سیاسی به کار می‌رود نادرست است؛ چراکه این روش‌ها را می‌توان در حل اختلافات حقوقی نیز به کار گرفت. با توجه به اینکه روابط میان دو کشور ایران و عراق دوستانه است، دولت ایران می‌تواند با توسل به مذاکرات دوجانبه، تشکیل کمیسیون مشترک و انعقاد قراردادهایی برای جبران خسارت براساس روابط اقتصادی خود به دریافت مطالبه خود اقدام کند.

ب) قرارداد حل و فصل مقطوع

یکی دیگر از اشکال متداول جبران خسارات جنگی انعقاد قرارداد حل و فصل مقطوع است. در این قرارداد، طرفین مخاصمه موافقت می‌کنند با پرداخت مبلغ معینی به هر قربانی، بدون در نظر گرفتن ماهیت، میزان و نوع نقض، موضوع جبران خسارت اتباع زیان‌دیده خاتمه را بدهند. توسل به این راهکار موجب حل و فصل سریع اختلاف بدون صرف انرژی و امکانات بسیار می‌شود. به عنوان نمونه، متحدین و ژاپن در سال ۱۹۵۱ توافق کردند دعای اسیران جنگی هلندی، انگلیسی و فیلیپینی علیه ژاپن با پرداخت ۷۵ دلار به هر اسیر جنگی را مختومه نمایند (داعی، ۱۳۸۷).

از مزایای این نوع قرارداد می‌توان به این موضوع اشاره کرد که از جنگ میان این دو کشور بیش از دو دهه گذشته است و به همین خاطر محاسبه دقیق خسارت وارده به هر شخص زیان‌دیده بسیار دشوار است. اما از معایب این روش آن است که جبران خسارت معمولاً نمادین و بسیار کمتر از میزان واقعی آن است؛ درحالی که جبران خسارات وارده به اشخاص باید متناسب با آسیب و کارآمد باشد.

ج) ایجاد کمیسیون گرامت

شاید یکی از موفق‌ترین تجربه‌های سازمان ملل در حل و فصل دعاوی مربوط به خسارت قربانیان جنایات جنگی، تشکیل کمیسیون گرامت عراق و کویت باشد. این کمیسیون موفق شد در طول ۱۴ سال فعالیت به بیش از ۲/۷۰۰/۰۰۰ دعوی رسیدگی کرده و در مورد ۱/۵۰۰/۰۰۰ دعوی حکم به پرداخت گرامت صادر نماید. این کمیسیون بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از سوی شورای امنیت ایجاد شد (S/RES/692, 1991). البته این کمیسیون ماهیت قضائی نداشته و بیشتر یک نهاد حل و فصل اختلافات است.

این کمیسیون اولین نهاد «قربانی محور» است که افراد در فرآیند مطالبه گرامت ناشی از نقض عمده حقوق بشردوستانه، نقش اصلی و محوری دارند. برای اولین بار در تاریخ معاصر نهادی تشکیل شده است که علاوه بر دولت‌ها، افراد حقیقی یا حقوقی قربانی نقض‌های عمده حقوق بشردوستانه نیز می‌توانند بدون توسل به حمایت دیپلماتیک، مطالبه گرامت نمایند (داعی، ۱۳۸۷).

از مزایای این روش آن است که به دلیل عدم رعایت تشریفات قضائی محاکم داوری در آن، از سرعت عمل مطلوبی برخوردار می‌باشد. البته ممکن است علت موفقیت این روش حمایت قدرتهای بزرگ از آن باشد اما با توجه به تجربه گذشته اگر به درستی این روش مورد استفاده قرار گیرد، می‌توان شاهد موفقیت‌های دیگری نیز بود.

۲-۴- روش‌های حقوقی

روش الزام‌آور حل و فصل اختلاف روش حقوقی می‌باشد. این روش شامل داوری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، محاکم داخلی و یا محاکم با صلاحیت جهانی است که در ادامه، امکان استفاده دولت ایران از این چند روش بررسی می‌گردد.

الف) داوری بین‌المللی

داوری بین‌المللی از شیوه‌های مهم حل و فصل اختلافات است. کنفرانس لاهه داوری را آئینی دانسته است که با توسل به آن کشورها اختلافات خود را درضمن احترام به قواعد حقوقی، به قضات برگزیده خود ارجاع می‌دهند (کلیمار، ۱۳۶۸).

دولت ایران می‌تواند با تشکیل دیوان داوری همانند دیوان داوری ایران و آمریکا از این روش برای دریافت مطالبه خسارات اشخاص از دولت عراق بهره‌مند شود. استفاده از این شیوه از آن جهت مطلوب است که دعای قربانیان به صورت موردی طرح و درباره آن حکم صادر می‌شود. و همچنین در این شیوه، جبران خسارت با ماهیت، نوع و شدت نقض، متناسب خواهد بود؛ اما به دلیل

تشریفات دادرسی نظیر لزوم اثبات دعاوی براساس آیین دادرسی خاص و بررسی حقوقی آن، نیازمند صرف هزینه و زمان بسیاری است.

ب) دیوان بین‌المللی دادگستری

مهمترین دادگاه بین‌المللی که صلاحیت عام و جهانی دارد، دیوان بین‌المللی دادگستری است. دیوان رکن قضایی سازمان ملل متحد را شکل می‌دهد و اساسنامه آن جزء لاینفک منشور ملل متحد است. لازم به ذکر است که این دیوان دو صلاحیت تحت عنوان صلاحیت مشورتی و صلاحیت ترافیعی دارد. برای احراز صلاحیت ترافیعی و رسیدگی به دعاوی، طرفین اختلاف ملزم به پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون چنین صلاحیتی را به صورت عام نپذیرفته است؛ اما در اینجا می‌توان به عنوان آخرین راهکار و در صورت ضرورت از قضیه جدید مطرح شده در این دیوان الهام گرفت و دولت ایران همانند دولت اوکراین با استناد به کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌کشی علیه دولت عراق در این دیوان اقامه دعوا کند. شایان توجه است که براساس اعلام سازمان ملل متحد، دولت ایران در سال ۱۹۵۶ میلادی این کنوانسیون را امضا و تصویب است و دولت عراق نیز در سال ۱۹۵۹ میلادی به آن ملحق شده است که این امر حاکی از آن است که هر دو دولت پیش از شروع جنگ، خود را به مقررات این کنوانسیون متعهد کرده‌اند.

ج) رجوع به محاکم داخلی عراق و یا محاکم دارای صلاحیت جهانی

اشخاص حقیقی ایرانی زیان‌دیده از جنگ میان عراق و ایران می‌توانند به محاکم داخلی کشور عراق رجوع و مطالبه جبران خسارات وارده به خود کنند و یا این اشخاص می‌توانند در دادگاه سایر کشورها که برای خود صلاحیت جهانی احراز نموده‌اند جهت مطالبه غرامت نیز اقامه دعوا کنند. از معایب اصلی این روش می‌توان به صرف هزینه زیاد، وقت‌گیر بودن فرایند دادرسی و امکان بسیار کم به نتیجه رسیدن و دریافت مطالبات اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

با بررسی تاریخچه روابط بین دو کشور مشخص شد که تاریخ پرفراز و نشیب روابط بین ایران و عراق وابسته به ایدئولوژی حاکم در هر دو کشور و دیدگاه این کشورها به منافع ملی خود بوده است. کشمکش میان دو کشور در دوران پهلوی و با ظهور حزب بعث و قدرت‌گیری صدام به اوج خود رسید که نتیجه آن انعقاد معاهده الجزایر بود. این معاهده که امیدها را برای برقراری صلح دائمی و کاهش تنش زنده کرده بود، با وقوع انقلاب اسلامی و گمان صدام بر ضعف ایران مورد توجه قرار نگرفت و رژیم بعث با نقض این معاهده، ایران را مورد حمله نظامی قرار داد.

هشت سال بعدی روابط دو کشور که در جنگ سپری شد. کلکسیون از نقض حقوق بشردوستانه، حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل توسط طرف عراقی بود. آن‌چنان که ذکر شد طبق گزارشات صلیب سرخ و قطع‌نامه‌های سازمان ملل مسئولیت دولت عراق قطعی و ثابت شده می‌باشد. رژیم بعث در طول ۸ سال درگیری ابتدا با نقض منشور ملل متحد و معاهده الجزایر که سازکار حل اختلاف را بر درگیری نظامی جایگزین کرده بود، مرتکب جنایت علیه بشریت در کل و تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران شد. سپس در طول درگیری با نقض حقوق اسرای جنگی ایرانی، بمباران شهرها و مناطق غیر نظامی، بمباران زیرساخت‌های اقتصادی، مرتکب نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و عرف‌های حقوق بین‌المللی شد. در سایه کوتاهی‌های جامعه بین‌المللی،

اولویت سیاست بر حقوق و عدالت آسیب‌دیدگان این جنگ در بعد فردی و خود کشور و زیرساخت‌های آن در بعد کلی با عدم دریافت غرامت و عدم جبران خسارت مواجه شدند.

این موضوع باعث رنج هرچه بیشتر خود و خانواده آسیب‌دیدگان و رنج اقتصادی ملت ایران به سبب از میان رفتن شریان‌های حیاتی اقتصادی کشور شد. این مسئله تا دهه‌های بعد عمده توان اقتصادی کشور را تحت الشعاع بازسازی خود قرار داده و رشد کشور را با مشکل مواجه ساخت؛ در صورتی که اگر مسئله دریافت غرامت حل می‌شد، رنج بازماندگان جنگ بسیار کمتر و اقتصاد کشور پویاتر می‌شد.

با توجه به وقایع این جنگ، روش‌های مختلف جبران خسارت اعم از جبران خسارت مادی نظیر اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت و نیز جبران خسارت معنوی مانند اعلام رسمی و رضایت در این مسئله قابل استفاده و استناد هستند. دولت جمهوری اسلامی ایران و نیز اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی می‌توانند با توسل به روش‌های مختلف حقوقی و یا سیاسی و دیپلماتیک غرامت خسارات خود را مطالبه کنند. از جمله این روش‌های مطالبه خسارت و جبران آن می‌توان به مذاکره و تشکیل کمیسیون مشترک، قرارداد حل و فصل مقطوع، ایجاد کمیسیون غرامت و نیز داوری بین‌المللی، رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری و یا رجوع به محاکم دارای صلاحیت اشاره کرد که از میان روش‌های نامبرده با توجه به نتایج گذشته و نیز تجربه‌های سایر کشورها، تشکیل کمیسیون غرامت بهترین راه‌حل موجود و اقامه دعوا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان آخرین راهکار قابل توجه هستند.

فهرست منابع و مآخذ:

- منابع فارسی
- کتاب:

- ۱- حلمی، نصرت الله، ۱۳۸۷، تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل؛ مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۲- کلییار، کلود آلبر، ۱۳۶۸، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق از هدایت‌الله فلسفی، چاپ اول، تهران، نشر نو.
- ۳- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۸۰، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، چاپ پنجم، تهران، نشر پیکان.
- ۴- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۸۳، تاریخ روابط خارجی ایران؛ از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- مقاله:

- داعی، علی، مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، دوره ۲۵، شماره ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ۹۱-۱۲۲.
- موسوی، سید مسعود، نقش توسعه طلبی رژیم بعث در وقوع جنگ ایران و عراق، در: حسن دری (تنظیم کننده)، جنگ ایران و عراق - ریشه ها و علل وقوع (مجموعه مقالات)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۱۲۵-۱۵۴.

- پایان‌نامه:

- رجب‌پور، سهیلا، (۱۳۸۸)، جبران خسارت در پرتو مسئولیت دولت عراق در تجاوز و اشغال جمهوری اسلامی ایران، ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.

- منابع مجازی

۱. بی‌نام، آمار واقعی اسرا چقدر است؟، مشرق نیوز، شماره خبر ۱۱۰۷۱۱۷، ۲۶ مرداد ۱۳۹۹، ۱۰:۲۷، دسترسی پذیر در؛
mshrgh.ir/1107117، واپسین بازدید: ۲۰ دی ۱۴۰۲

۲. مقدم، حسام، تعداد شهدای ایران چقدر است؟، ایسنا، شماره خبر ۹۹۱۲۲۱۱۶۱۹۰، جمعه، ۲۲ اسفند ۱۳۹۹، ۱۳:۰۰، دسترسی پذیر در؛
<https://www.isna.ir/news/99122116190>، واپسین بازدید: ۲۰ دی ۱۴۰۲

• منابع انگلیسی:

• **Books:**

1. Schwarzenberger, Georg. (1968). **International Law**, Stevens, Vol. 2, Third Edition.
2. Green, Maryan. (1988). **International Law**, British Yearbook of International Law, Vol. 59, Issue 1, 1988, 251–253.

• **Case and Materials:**

1. **Algiers Declaration**, ISI (Imperial State of Iran) & IQR (Iraqi Republic), March, 6, 1975.
2. **Corfu Channel Case** (merits), I.C.J. Reports, 1949.
3. **Factory at Chorzow** (Germ. v. Pol.), Jurisdiction, 1928, PCIJ, Series A, No 17.
4. **Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua Case** (Nicaragua v. United States of America) Merits, Judgment. (1986) I.C.J. Rep 14
5. **Moore**, International Arbitration, Vol. III, p. 3127 (1871) at p.3129.
6. R - 2853, **ICRC Report on Visit to Prisoner of War Camp** 9, 10 and 11 November 1985.
7. R - 2251, **Report on ICRC Visit to Iranian Prisoners of War in Tamuz Military Hospital**, 18 November 1984.
8. R - 1093, **ICRC Report on Visit to Prisoner of War Camp Romadi** 1, 26,27 and 28 July 1981.
9. **Russian Indemnity Case**, 1912, R.I.A.A, Vol.11.
10. **Security Council Resolution 692**, 20 May 1991, S/RES/692 (1991).
11. United Nations, **Charter of the United Nations**, 24 October 1945, 1 UNTS XVI